

بررسی رابطه استقلال کمیته حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حلیمه رضایی

گروه حسابداری، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران. (نویسنده مسئول).

halimehrezaei1400@gmail.com

دکتر علی اصغر طاهرآبادی

گروه حسابداری، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران.

taherabady@yahoo.com

چکیده

حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. حسابرسان متخصص در صنعت یک نقش مهم در نظارت بر فرایند گزارشگری مالی دارند حسابرسان متخصص در صنعت ممکن است مدیریت سود را محدود کنند نه تنها از طریق حسابرسی صورت‌های مالی بلکه از طریق تعامل خود با مشتری داخلی و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی که شامل استقلال هیئت مدیره هستند. هدف این تحقیق، بررسی تأثیر استقلال کمیته حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نظر ارتباط بین متغیرها همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از لحاظ رویداد، پس‌رویدادی است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیونی و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری دارد و تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: استقلال کمیته حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت، مدیریت سود.

مقدمه

امروزه سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت ارزیابی واحدهای تجاری، توجه و تمرکز خود را به گزارشگری مالی و به‌خصوص رقم سود خالص گزارش شده، معطوف می‌کنند. پژوهش‌های اخیر مشخص شده است که سرمایه‌گذاران در فرایند تصمیم‌گیری، شرکت‌هایی را انتخاب می‌کنند که سود آن‌ها از پایداری بالاتر و در واقع از کیفیت بالاتری برخوردار است. در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جنبی قرار می‌گیرند، مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و به‌ویژه سرمایه‌گذاران شوند. مجموعه این اقدام‌ها به مدیریت سود تعبیر می‌شود که دارای جوانب مثبت و منفی است. جنبه مثبت مدیریت سود شامل فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین و اخلاق حرفه‌ای قرار می‌گیرد. این در حالی است که

جنبه منفی مدیریت سود می‌تواند جامه فریب‌آمیزی بر تن کند و منجر به تقلب و گزارشگری و فساد در شرکت‌ها توسط مدیران شرکت شود (انصاری و خورشیدی، ۱۳۹۳).

تخصص و دانش ایجاد شده ناشی از ارائه خدمات غیرحسابرسی به انجام بهتر حسابرسی صورت‌های مالی کمک می‌کند و بالعکس، که در اصطلاح به آن انتقال دانش گفته می‌شود. طبق این مفهوم، متخصصان کلی در حسابرسی، توانایی فراهم کردن خدمات برتر و ایجاد تمایز رقابتی بیشتری را دارند زیرا گسترش تخصص در یک زمینه (به‌طور مثال حسابرسی صورت‌های مالی) سایر تخصص‌ها را در حوزه‌های عملیاتی دیگر (به‌طور مثال حسابرسی مالیاتی) تکمیل می‌کند. به احتمال زیاد با ترکیب تخصص کلی حسابرس و تخصص مالیاتی آن با یکدیگر، زمینه مناسبی برای گسترش استراتژی‌های مالیاتی برای شرکت‌های صاحبکار نسبت به شرکت‌هایی که دارای کارشناسان متخصص نیستند، فراهم می‌شود (خانی و همکاران، ۱۳۹۲). از آن جا که حسابرسان متخصص بهترین ناظر هستند، می‌توانند اثر کیفیت گزارشگری مالی را بر اجتناب از مالیات افزایش دهند. با توجه به مبانی نظری می‌توان بیان نمود که تخصص حسابرس در صنعت بر شفافیت اطلاعاتی که شرکت‌ها برای سهامداران و سایر ذی‌نفعان افشا می‌کنند اثرگذار است و احتمال افشا نشدن کامل و مطلوب اطلاعات را کاهش می‌دهد. بهبود کیفیت افشای شرکت، سبب کاهش نامتقارنی اطلاعات شده و کاهش نامتقارنی اطلاعات نیز کاهش عدم شفافیت اطلاعات و مدیریت سود را به همراه دارد.

کمیته حسابرسی یکی از سازوکارهایی است که انتظار می‌رود در راستای حفظ منافع گروه‌های مختلف استفاده کننده از اطلاعات حسابداری موثر واقع شود. به‌رغم پیشینه ۷۰ ساله کمیته حسابرسی در کشورهای توسعه یافته، روند ایجاد آن در ایران بسیار کند و در بیشتر موارد متوقف بوده است. نتایج به‌دست آمده نشان داد که ایجاد و به‌کارگیری کمیته حسابرسی در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف غیرقانونی، بهبود فرایند گزارشگری مالی و همچنین آرایه اطلاعات و گزارش‌های مالی شفاف و قابل اتکا مؤثر است. همچنین، عدم آشنایی واحدهای اقتصادی ایران با این کمیته، تمرکزگرایی مدیران ایرانی و نبود الزام‌های قانونی از سوی بورس اوراق بهادار ایران، از جمله عوامل عدم ایجاد و به‌کارگیری کمیته حسابرسی در ایران است (علوی‌طبری و خلیفه‌سلطان، ۱۳۸۹). کمیته حسابرسی به‌عنوان مکانیزم حاکمیت شرکتی بررسی دقیق اطلاعات مالی شرکت و تسهیل کار حسابرسی داخلی و حسابرسان مالی را به‌عهده می‌گیرد. کمیته حسابرسی نیز موظف به نظارت بر عملکرد حسابرسی داخلی است. کمیته حسابرسی برای اجرای این وظایف باید به عملکرد حسابرسی داخلی کمک کند که به‌خاطر خود برای به‌عهده گرفتن مسئولیت‌های کمیته عمل می‌کند. علاوه بر این، کمیته حسابرسی و عملکرد حسابرسی داخلی باید ضمیمه مدیریت ارشد شود، به‌طوری که آن‌ها با سایر وظایف سازمانی تضعیف نشوند (سو و بنی^۱، ۲۰۱۱). کمیته حسابرسی برای افزایش کیفیت و سطح اطمینان بخشی حسابرسی خواهان انجام کار بیشتر توسط تیم حسابرسی است و در نتیجه با افزایش حجم عملیات حسابرسی، بررسی کیفیت اطلاعات مالی افزایش پیدا می‌کند. کمیته حسابرسی برای اینکه بتواند اثربخش عمل کند، باید مستقل از واحد اقتصادی باشد. برای حفظ استقلال اعضای کمیته حسابرسی باید از بین مدیران غیرموظف یا خارج از سازمان انتخاب شوند. بنابراین زمانی که اعضای کمیته حسابرسی از مدیران مستقل تشکیل شده باشند، قادر خواهند بود نفوذ بیشتری بر مدیریت اجرایی داشته که نتیجه آن افزایش شفافیت اطلاعاتی و به‌دنبال آن کاهش ریسک اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و خطر سقوط قیمت سهام است. با توجه به موارد بیان شده، مسأله اصلی پژوهش این است که تا چه اندازه استقلال کمیته حسابرسی و تخصص حسابرس با مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه دارد؟

¹ Soh & Bennie

مبانی نظری پژوهش

مدیریت سود

بنی^۱ به وجود دو دیدگاه در مورد مدیریت سود اشاره می‌کند دیدگاه فرصت طلبانه که بیان می‌دارد مدیران در پی گمراه کردن سرمایه‌گذاران هستند. و دیدگاه تبادل اطلاعات که بیان می‌دارد اختیارات مدیر ابزاری است برای وی تا انتظارات شخصی‌اش را در مورد جریان نقد آتی شرکت به سرمایه‌گذاران ارائه کند.

لوبو و ژو^۲ میزانی که شرکت‌ها به مدیریت سود می‌پردازند را به‌عنوان عامل تعیین کننده مهمی جهت تصمیم‌گیری در ارتباط با میزان افشاء اطلاعات معرفی می‌نمایند. تجزیه و تحلیل‌های تجربی ارائه شده توسط این محققین بیانگر وجود رابطه منفی بین کیفیت افشاء و مدیریت سود در حالت وجود مدیریت سود فرصت طلبانه و همچنین وجود رابطه مثبت بین کیفیت افشاء و مدیریت سود در حالت وجود مدیریت سود ناشی از تبادل اطلاعات است (خدایی و یحیایی، ۱۳۹۱).

گول و همکاران دریافته‌اند که مدیران شرکت‌ها با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر از مدیریت سود جهت نشان دادن فرصت‌های رشدی خود در آینده استفاده می‌کنند. زمینه ایجاد فرضیه‌های تحقیق‌های فوق از دو جریان تحقیقی سرچشمه گرفته است. تحقیقات نوع اول به رابطه بین کیفیت افشاء و تقارن اطلاعات پرداخته‌اند و تحقیقات نوع دوم وجود رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعات را بررسی نموده‌اند. نتایج حاصل از این دو دسته پژوهش به‌طور موافق پیش‌بینی در مورد رابطه بین کیفیت افشاء و مدیریت سود را به‌وجود می‌آورند.

ریچارسون^۳ شواهد تجربی نیز منطبق با این نتایج بدست آورده است. وی دریافت که وجود عدم تقارن اطلاعات به میزان مدیریت سود مربوط می‌باشد (وردی، ۲۰۱۱).

تخصص حسابرسی در صنعت

نظریه‌های اقتصادی بیانگر آن است که حرفه حسابرسی با یافتن راه‌های جدیدی برای تمایز قائل شدن بین خدمات خاص در مؤسسه‌های حسابرسی به بلوغ و پیشرفت رسیده است. یکی از این ابزارها تخصص‌گرایی در خاص است. هوگان و جتر^۴ (۱۹۹۹) دریافته‌اند که مؤسسه‌های حسابرسی دارای نام تجاری تلاش‌هایی را برای افزایش سطح تخصص شان انجام می‌دهند. آن‌ها سعی می‌کنند تا بر روی مقررات صنعت و ویژگی‌های صنعتی که ریسک دعوی حقوقی نسبتاً کم، رشد سریع، با صاحبکاران به نسبت بزرگی دارند متمرکز گردند. واژه تخصص اغلب کیفیت فرض می‌شود. انتظار می‌رود که متخصصین در مقام مقایسه با غیرمتخصصین کیفیت بالاتر و خدمات بیشتری را به همراه حسابرسی عرضه نمایند (پور کریم، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های اخیر بیانگر آن است که بین نوع صنعت مورد تخصص حسابرسی و کیفیت گزارش حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند به دلیل داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت می‌توانند حسابرسی را با کیفیت بالاتری انجام دهند. به‌علاوه، هر قدر مؤسسه حسابرسی تجربه بیشتری در صنعت خاصی کسب نماید، به دلیل ایجاد شهرت مثبت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می‌کند (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳). تخصص در صنعت صاحب‌کار، کوشش پر ارزشی است. چندین نظریه پیرامون چگونگی جبران هزینه‌های متخصصین ارائه شده است. گرسول و همکاران^۵ (۱۹۹۵) شواهدی را پیرامون این که

¹ Bnysh

² Lobo & Zoe

³ Richardson

⁴ Hogan & Jeter

⁵ Graswell & et al

چنین سرمایه‌گذاری‌هایی می‌توانند با حاشیه حق‌الزحمه‌های حسابرسی جبران شوند، ارائه نموده‌اند. مطالعه آنها مشخص کرد که حسابرسان دارای نام تجاری و متخصص در صنعتی خاص در مقایسه با حسابرسان دارای نام تجاری و غیرمتخصص، ۳۴ درصد حاشیه حق‌الزحمه‌ای بیشتر کسب نموده‌اند. این پژوهش می‌تواند توضیحات بیشتری را برای حاشیه حق‌الزحمه گزارش شده حسابرسان دارای نام تجاری در مطالعات خاص، بیان نماید. اما نتایج فرگوسن و استاکس (۲۰۰۲) از نتایج پژوهش گرس ول و همکاران (۱۹۹۵) حمایت نمی‌کنند آنان توضیحات بیشتری را ارائه نمودند که نشان می‌دهد متخصصین در صنعت خاص چگونه می‌توانند مبلغی را به عنوان حاشیه حق‌الزحمه‌ی بیشتر دریافت نمایند، آنان معتقدند که موقعیت اقتصادی مناسب برای حسابرسان می‌تواند از عرضه مشترک خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی که سبب کاهش حاشیه حق‌الزحمه می‌شوند به وجود آید. هم چنین، متخصصین صنعت می‌توانند معادله حاشیه حق‌الزحمه را از طریق حق‌الزحمه‌های حاصل از خدمات غیرحسابرسی به‌دست آورند. نگرانی احتمالی از افزایش تمرکز عرضه‌کننده و نیز مباحث مرتبط با عرضه مشترک خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی وجود دارد. به نظر می‌رسد که این امر فضای مناسبی را برای تحقیقات آتی فراهم آورد. هوگان و جتر (۱۹۹۹) با اثبات رابطه مؤسسه‌های معتبر حسابرسی و متخصص در صنعت خاص و افزایش سهم بازار آن‌ها در طول زمان، توضیحات بیشتری را درباره متخصص صنعت ارائه نموده‌اند. همچنین آنان در تلاش برای افزایش کیفیت حسابرسی به‌طور ضمنی به تخصص‌گرایی در صنعتی خاص اشاره کرده‌اند (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۱). چندین مطالعه شواهدی برای حمایت از این نظریه ارائه کرده‌اند. کریشان (۲۰۰۳) و همچنین بالسام و همکاران (۲۰۰۳) شواهدی را یافته‌اند که ذخایر احتیاطی صاحبکاران حسابرسان متخصص در صنعت خاص به‌طور معنی‌داری کمتر از حسابرسان غیرمتخصص در صنعت خاص می‌باشد. به علاوه، بالسام و همکاران (۲۰۰۳) به ارائه شواهدی پرداخته‌اند که براساس آن ضریب واکنش سود صاحبکاران حسابرسان متخصص صنعت خاص بیشتر از ضریب واکنش سود صاحبکاران غیرمتخصص در صنعت خاص می‌باشد. این نتایج بیانگر آن است که حسابرسان متخصص توانایی نظارت بیشتری را دارند و بازار خدمات حرفه‌ای، آنان را به همین صورت می‌شناسد (پورکریم، ۱۳۸۸).

استقلال کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی مسئول اجرای نظارت بر کار حسابرسان داخلی و مستقل، پیشنهاد حسابرسان مستقل به مجمع عمومی صاحبان سهام به‌منظور انتصاب، تعیین حق‌الزحمه و عزل حسابرسان مستقل، بررسی دفعات حسابرسی، دریافت گزارش حسابرسی و نیز کسب اطمینان از انجام اقدام‌های اصلاحی به‌موقع و صحیح توسط مدیریت برای کنترل ضعف‌ها و کاستی‌ها، عدم تطابق با سیاست‌ها، قوانین و مقررات و سایر مشکلات شناسایی شده از سوی حسابرسان است. اعضای کمیته حسابرسی توسط هیأت مدیره منصوب می‌شوند. ریاست و تعداد اعضای کمیته حسابرسی در چارچوب «منشور کمیته» تعیین می‌شوند. کمیته منشور خاص خود را داشته که مطابق با قوانین لازم‌الاجرای راهبری شرکتی بورس و سایر قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های مربوطه می‌باشد. این منشور مأموریت و وظایف کمیته و همچنین شرایط عضویت در کمیته، مراحل لازم برای نصب و عزل اعضای کمیته، ساختار کمیته و نحوه عملکرد و گزارش‌دهی به هیأت مدیره را تعیین می‌کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳).

تغییرات ایجاد شده در کشورهای پیشرفته در سال‌های اخیر، موجب افزایش استقلال حسابرسان از مدیریت هنگام حسابرسی شده است. یکی از این تغییرات، استفاده از کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌ها است. این کمیته‌ها به‌عنوان عامل نظارت بر فرایند گزارشگری مالی عمل می‌کنند. ادبیات حسابداری نیز بر اهمیت هیأت مدیره و کمیته حسابرسی به‌عنوان عوامل اطمینان بخش شرکت‌ها تأکید دارد. در کشورهای پیش‌رو، کمیته حسابرسی در شرکت‌ها تبدیل به ابزار مهمی شده‌اند تا

قابلیت اعتماد روند گزارشگری مالی را نظارت کنند. کمیته حسابرسی به عنوان عاملی تعیین کننده در روند گزارشگری مالی عمل می کنند. کمیته های حسابرسی اثربخش، موجب افزایش اعتبار صورت های مالی حسابرسی شده سالانه می شود و اعضای آن با هیئت مدیره که مسئول حفظ منافع سهامداران است همکاری نموده و در این امر نظارت بر کیفیت و مطلوبیت صورت های مالی، حسابداری، حسابرسی، کنترل داخلی و فرایند گزارشگری مالی به مدیریت در ایفا مسئولیت های خود یاری می رساند (حساس یگانه و حسینی، ۱۳۸۱).

پیشینه پژوهش

صالحی و فرخی پيله ورد (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی دقت پیش بینی مدیریت سود با استفاده از شبکه های عصبی و درخت تصمیم گیری و مقایسه آن با مدل های خطی پرداختند و نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که روش شبکه عصبی و درخت تصمیم گیری در پیش بینی مدیریت سود نسبت به روش های خطی دقیق تر و دارای سطح خطای کمتری است. در رابطه با ارتباط بین متغیرهای وابسته با متغیر مستقل نیز می توان گفت، مدیریت سود با متغیرهای اقلام تعهدی اختیاری دوره قبل، اقلام تعهدی غیراختیاری دوره قبل یا آستانه عملکرد و ریسک در چهار روش مدل های خطی، شبکه عصبی، درخت های C5.0 و Cart دارای بیشترین ارتباط است.

ستایش و صیادی (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین جریان های نقد آزاد و مدیریت سود با تأکید بر نقش تعدیل کنندگی کیفیت حسابرسی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران) پرداختند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که استفاده از مؤسسه حسابرسی با کیفیت بالا و باشهرت و تغییر حسابرس، تعارض مربوط به هزینه نمایندگی ناشی از جریان های نقد آزاد مازاد را کاهش می دهد و به عبارتی باعث کاهش مدیریت سود ناشی از جریان های نقد آزاد مازاد با شدت بیشتر می شود که در نتیجه افزایش کارایی تصمیم های سرمایه گذاری شرکت را به دنبال دارد.

فخاری و محمدی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه معنی داری بین ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی وجود دارد این یافته ها می تواند برای خطمشی گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید بوده و ضرورت بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی را به همراه داشته باشد.

گارسیا و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود پرداختند. نتایج آن ها نشان داد که محافظه کاری بیشتر باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و افزایش مدیریت واقعی سود می شود.

اسلی و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود بر نقدشوندگی بازار پرداختند و از سه معیار برای ارزیابی مدیریت سود استفاده کرده اند که یکی از معیارها اقلام تعهدی است و دو معیار دیگر مربوط به معیارهای مدیریت سود واقعی هستند که شامل جریان نقد عملیاتی و هزینه های اختیاری است و برای ارزیابی نقدشوندگی بازار نیز از معیار عدم نقدشوندگی آمیهد و معیار کی وی استفاده کردند؛ طبق نتایج به دست آمده، مدیریت سود مبتنی بر هزینه های اختیاری غیرعادی (مدیریت واقعی سود) با معیار عدم نقدشوندگی رابطه مستقیم و معناداری دارد.

¹ Garcia & et al

² Asli & et al

چانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و جریان‌های نقد آزاد زیاد را در شرکت‌های با رشد کم مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که مدیران شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد زیاد و رشد کم، از افلام تعهدی اختیاری افزایش دهنده سود استفاده می‌کنند تا سودهای کم و زیان‌های حاصل از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی را از بین ببرند.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه معناداری دارد.

فرضیه دوم: تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود رابطه معناداری دارد.

الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چندگانه است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه انتخاب شده است:
معادله (۱):

$$TCA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ACI_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

معادله (۲):

$$TCA_{it} = \beta_0 + \beta_1 AE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در معادله‌های فوق به ترتیب:

TCA: معیار شاخص مدیریت سود شرکت i در سال t ؛

AE: معیار شاخص تخصص حسابرس شرکت i در سال t ؛

ACI: شاخص استقلال کمیته حسابرسی شرکت i در سال t ؛

SIZE: اندازه شرکت شرکت i در سال t ؛

LEV: اهرم مالی شرکت i در سال t ؛

تعریف متغیرها به صورت عملیاتی به شرح زیر است:

استقلال کمیته حسابرسی

تعریف مفهومی: عضوی فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم و غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانب‌داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد تعریف شده است (فخاری و محمدی، ۱۳۹۵).

تعریف عملیاتی: استقلال کمیته حسابرسی (نسبت اعضای مستقل یا غیرمؤلف در کمیته حسابرسی به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی) در شرکت (فخاری و محمدی، ۱۳۹۵).

تخصص حسابرس

از رویکرد سهم بازار و با توجه به رویکرد پالمرز^۲ برای محاسبه متغیر تخصص حسابرس استفاده می‌شود. مطابق این رویکرد تخصص حسابرس یک متغیر موهومی بوده و چنانچه سهم بازار یک مؤسسه حسابرسی خاص از نسبت به دست آمده از رابطه زیر:

¹ Chung & et al

² Palmerz

رابطه (۱):

$$\left(\frac{1}{\text{nauditfirms}} \times 1.2\right)$$

بیشتر باشد مؤسسه حسابرسی مذکور به عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می شود و متغیر مربوط به تخصص حسابرس در صنعت یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود. در فرمول مذکور مخرج کسر بیانگر تعداد شرکت های مشغول به کار در یک صنعت خاص می باشد.

از سویی دیگر سهم بازار از رابطه زیر بدست می آید:

رابطه (۲):

$$\text{MKTSHR}_{ik} = \frac{\int_{j=1}^{jik} \text{Assets}}{\int_{i=1}^{ik} \int_{j=1}^{jik} \text{Assets}}$$

صورت کسر نشان دهنده مجموع دارایی های موجود در صنعت k می باشد که توسط مؤسسه حسابرسی i مورد حسابرسی قرار گرفته است و مخرج کسر بیانگر تمام دارایی های موجود در صنعت k که توسط مؤسسه های حسابرسی i تا j حسابرسی شده اند. یعنی تمام دارایی های حسابرسی شده در صنعت توسط مؤسسه های حسابرسی (صفرزاده، ۱۳۹۳).

مدیریت سود

برای سنجش مدیریت سود از معیار کیفیت ارقام تعهدی استفاده می گردد:

برای سنجش ارقام غیراختیاری و اختیاری کیفیت ارقام تعهدی از مدل کوتاری،^۱ (۲۰۰۵) استفاده شده است. محققین زیادی از این مدل به منظور بررسی میزان تأثیر عوامل غیراختیاری بر روی کیفیت ارقام تعهدی، استفاده کرده اند که در رابطه زیر نشان داده شده است:

رابطه (۳):

$$TA_{t,i} = \Delta CA_{t,i} - \Delta CL_{t,i} - \Delta CASH_{t,i} + \Delta STD_{t,i} - DEP_{t,i}$$

TA: کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t .

ΔCA : تغییر در دارایی های جاری شرکت i بین سال t و $t-1$.

ΔCL : تغییر در بدهی های جاری شرکت i بین سال t و $t-1$.

$\Delta CASH$: تغییر در وجه نقد شرکت i بین سال t و $t-1$.

ΔAS : تغییر در حصة جاری بدهی های بلندمدت شرکت i بین سال t و $t-1$.

DEP: هزینه استهلاک شرکت i در سال t (کوتاری، ۲۰۰۵).

اندازه شرکت

از آنجایی که ارزش بازار سهام، نسبت به سایر متغیرهای این پژوهش عدد بزرگی است، جهت استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام استفاده شده است (نمازی و همکاران، ۱۳۸۸).

رابطه (۴):

(قیمت سهام \times تعداد سهام) \ln = اندازه شرکت

اهرم مالی

¹ Kothari

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری اهرم مالی شرکت از تقسیم ارزش بدهی‌های جاری بر کل دارایی‌ها استفاده می‌شود (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۸۹).
رابطه (۵):

$$\text{اهرم مالی} = \text{BV} / \text{Total Assets}$$

BV = ارزش بدهی‌های جاری.

Total Assets = ارزش کل دارایی‌ها.

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد.
جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ که بالغ بر ۶۲۰ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌ها ۱۴۰ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.
به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است.
به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۱۵۷	۰/۱۳۵	۰/۵۴۲	۳/۲۳	-۰/۷۸۴
تخصص حسابرس در صنعت	۰/۲۲۹	۰/۱۱۵	۰/۲۴۲	۱/۴۳	-۰/۷۶۵
مدیریت سود	۰/۳۲۲	۰/۱۱۳	۰/۲۱۸	۱/۶۵	-۰/۷۲۴
اهرم مالی	۰/۲۱۹	۰/۷۱۴	۱/۲۳۲	۰/۲۳	۰/۲۱۵
اندازه شرکت	۶/۳۲۵	۷/۱۱۴	۱/۲۳۱	۸/۲	۲/۷۶

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۶-۱۴۰۰) و داده‌های مقطعی ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر

یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری ایویوز ۹ می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

جدول (۲): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل اول	۳.۴۶۲	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود.
مدل دوم	۴.۴۷۶	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود.

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل اول و دوم پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل‌ها، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره χ^2 دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چنانچه دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، H_0 مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۳): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل اول	۷/۴۲۵	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
مدل دوم	۹/۷۴۱	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل اول و دوم پژوهش، با توجه به اینکه در آزمون خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل اول و دوم به ترتیب (۷/۴۲۵ و ۹/۷۴۱) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، لذا H_0 رد می‌شود. رد H_0 نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

آزمون فرضیه اول

بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد متغیر	ضرایب	خطای معیار	آماره t	سطح معنی	
مقدار ثابت	c	۰/۴۵۷	۰/۴۱۷	۳/۲۵	۰/۰۰۰	
استقلال کمیته حسابرسی	β_1 IND_COM _{It}	۱/۵۷۲	۰/۳۴۵	۴/۴۵	۰/۰۰۰	
اندازه شرکت	β_2 SIZE	۱/۳۵۷	۰/۵۷۲	۶/۷۵	۰/۰۰۰	
اهرم مالی	β_3 Lev	۱/۴۴۵	۰/۳۴۵	۳۷/۵	۰/۰۰۰	
		ضریب تعیین				۰/۷۵۲
		ضریب تعیین تعدیل شده				۰/۷۷۰
		مقدار فیشر				۴۵/۶۴
		سطح معنی داری فیشر				۰/۰۰۰

مقدار دوربین واتسون	۱/۹۷
---------------------	------

باتوجه به نتایج آزمون مدل اول پژوهش، سطح معناداری آماره $F(0/000)$ کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. در این پژوهش میزان ضریب تعیین برابر با $0/752$ است که این مقدار نشان می‌دهد متغیر مستقل توانایی پیش بینی متغیر وابسته را به میزان ۷۵ درصد دارد. آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که مقدار آماره دوربین- واتسون در فاصله $1/5$ تا $2/5$ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد که در این مدل مقدار آن برابر $1/97$ بوده که بین این رنج قرار می‌گیرد، بنابراین فرض استقلال خطاها پذیرفته می‌شود. از طرفی سطح معنی داری آزمون فیشر کمتر از ۵ درصد است، که این بدین معنا است مدل این فرضیه معنی دار شده است. در جدول فوق سطح معنی داری آزمون t کمتر از ۵ درصد است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل مورد استفاده حدود ۷۵ درصد است که نشان می‌دهد حدود ۷۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل قابل توضیح است.

آزمون فرضیه دوم

بین تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد متغیر	ضرایب	خطای معیار	آماره t	سطح معنی داری	
مقدار ثابت	c	۰/۵۶۵	۰/۵۷۴	۳/۷۳	۰/۰۰۰	
تخصص حسابرس در صنعت	β_1 SPECIALIST _{It}	-۱/۵۴	۰/۲۳۲	۳/۴۵	۰/۰۰۰	
اندازه شرکت	β_2 SIZE	۱/۳۷۵	۰/۶۴۳	۶/۱۵	۰/۰۰۰	
اهرم مالی	β_3 Lev	۱/۴۲۳	۰/۳۳۲	۵/۴۲	۰/۰۰۰	
		ضریب تعیین				۰/۸۶۲
		ضریب تعیین تعدیل شده				۰/۸۸۲
		مقدار فیشر				۳۵/۶۴
		سطح معنی داری فیشر				۰/۰۰۰
		مقدار دوربین واتسون				۲/۱۲

در این پژوهش میزان ضریب تعیین برابر با $0/862$ است که این مقدار نشان می‌دهد متغیر مستقل توانایی پیش بینی متغیر وابسته را به میزان ۸۶ درصد دارد. آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که مقدار آماره دوربین- واتسون در فاصله $1/5$ تا $2/5$ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد که در این فرضیه مقدار آن برابر $2/12$ بوده که بین این رنج قرار می‌گیرد بنابراین فرض استقلال خطاها پذیرفته می‌شود. از طرفی سطح معنی داری آزمون فیشر کمتر از ۵ درصد است، که این بدین معنا است مدل این فرضیه معنی دار شده است. در جدول فوق سطح معنی داری آزمون t کمتر از ۵ درصد است، بنابراین متغیرهای مستقل توانایی تأثیرگذاری بر متغیر وابسته را دارا می‌باشند. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل مورد استفاده حدود ۸۶ درصد است که نشان می‌دهد حدود ۸۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل قابل توضیح است.

نتیجه گیری کلی

هدف پژوهش حاضر مطالعه تاثیر استقلال کمیته حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ می‌باشد. تأثیر متغیرها با استفاده از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت در شرکت‌ها بررسی شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد.

منابع

- ✓ آقایی، محمد، گلجاریان، محمدعلی، نظری، کیانوش، اسدالهی، امین، (۱۳۹۴)، کنترل‌های داخلی مؤثر در شرکت‌های سرمایه‌گذاری از دیدگاه حسابرسان مستقل، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱-۱۲.
- ✓ استانداردهای حسابداری ایران، (۱۳۹۲)، نشریه ۸۶ سازمان حسابرسی.
- ✓ استاندارد ۳۱۵ حسابرسی، (۱۳۹۷)، استاندارد حسابرسی ایران، سازمان حسابرسی.
- ✓ اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا، مهرگان، نادر، (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ✓ افسرده، مجتبی، نیازی، رحیم، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر حساسیت جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، سال ۱۴، صص ۱۲۴-۱۴۸.
- ✓ اکبری، محسن، فتحی، سعید، فرخنده، مهسا، ایاغ، زهرا، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری و حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان نقدی، چشم‌انداز مدیریت مالی، شماره ۱۷، صص ۴۹-۶۸.
- ✓ الوانی، سیدمهدی، قاسمی، احمدرضا، (۱۳۷۷)، مدیریت و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ✓ انصاری، عبدالمهدی، شفیعی، حسین، (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر متغیرهای حسابرسی داخلی بر برنامه حسابرسی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، صص ۲۷-۵۱.
- ✓ برزگر، قدرت‌اله، غواصی‌کناری، محمد، (۱۳۹۵)، مطالعه رابطه سطح افشای مسئولیت اجتماعی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۵۵-۱۸۰.
- ✓ برومند، راهبه، گرکز، منصور، سعیدی، پرویز، معطوفی، علیرضا، (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر حساسیت جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری بر اشتیاق سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۸۷-۲۱۲.
- ✓ تازی‌وردی، یداله، عمادیان، ندا، (۱۴۰۰)، تأثیر حساسیت جریان‌های نقدی نامتقارن بر رابطه محدودیت در تأمین مالی و محافظه‌کاری مشروط، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- ✓ جهانخانی، علی، پارسائیان، علی، (۱۳۸۹)، مدیریت مالی، انتشارات سمت، تهران.
- ✓ حاجیها، زهره، محمدحسین‌نژاد، سهیلا، (۱۳۹۴)، عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱-۱۹.
- ✓ حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، نشر سمت، چاپ اول.

- ✓ حساس یگانه، یحیی، برزگر، قدرت‌اله، (۱۳۹۴)، مدلی برای افشای مسئولیت اجتماعی و پایدار از شرکت‌ها و وضعیت فعلی آن در آن پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بورس.
- ✓ خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، روش تحقیق با رویکردی بر پایان‌نامه نویسی، تهران، نشر بازتاب، چاپ اول.
- ✓ خدای‌پور، احمد، امیری، اسماعیل، (۱۳۹۸)، اثر نوع حق‌الزحمه حسابرسی بر حساسیت جریان نقدی سرمایه‌گذاری، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۶، شماره اول، صص ۶۵-۸۶.
- ✓ خرم‌آبادی، مهدی، حساس یگانه، یحیی، برزیده، فرخ، صالحی صدقیانی، جمشید، (۱۳۹۹)، تبیین و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارزیابی اثربخش کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد فازی، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۵۷-۸۲.
- ✓ Adams, R. B. & Ferreira, D. (2009). Women in the boardroom and their impact on governance and performance. *Journal of Financial Economics*, 94 (2), 291-309.
- ✓ Aldamen, H., Hollindale, J. & Ziegelmayer, J. L. (2018). Female audit committee members and their influence on audit fees. *Accounting and Finance*, 58 (1), 57-89.
- ✓ Almeida, H., Campello, M. & Weisbach, M.S. (2007). The cash flow sensitivity of cash. *Journal of Financial*. No 59.177-215.
- ✓ Andersson, D. (2012). IC Valuation and Measurement: Classifying the State of Art, *Journal of Intellectual Capital*, No. 5, pp. 230-248.
- ✓ Anderiass, N. & Vitenbergh, A. (2011). Understanding the Effect of Selected Financial Variables on Stock Returns in Tehran Stock Exchange”, *Journal of Fininical Accounting Research*, Vol. 4, No. 1, pp. 17-30.
- ✓ Annika Brasch, Brigitte Eierle, & Robin Jarvis. (2022). Research and development investments, development costs capitalization, and credit ratings: Exploratory evidence from UK R&D-active private firms, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* Volume 48, September 2022, 100485
- ✓ Beckmann, D., Menkhoff, L. (2008). Willwomen bewomen? Analyzing the gender difference among financial experts. *Kyklos*, 61(3), 364-384.
- ✓ Bilimoria, D. (2000). Building the business case for women corporate directors. In R.J. Burke and M.C. Mattis (Eds.), *Women on corporate boards of directors: International challenges and opportunities* (pp. 25-40). Dordrecht, The Netherlands: Kluwer Academic Publishers.
- ✓ Changh, M-P. (2010). Asymmetric effects of investor sentiment on industry stock returns: Panel data evidence.
- ✓ Chen, K. (2005). Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO firms, *Managerial Accounting Journal*, vol 20, No. 1, 86-104.
- ✓ Dallas, L. (2002). The New Managerialism and Diversity on Corporate Boards of Directors. *Tulane Law Review*, 76(5-6), 1363-1405.
- ✓ Deangelo L.E. (1981). Auditor Sibe and audit quality. *Journal of Accountiny & Economics*; 3: 183.
- ✓ Galli,D, G. (2013). From Corporate To Shared Social Responsibility: Community Governance and Social Capital Creation Through Collaboration “,APPAM International.
- ✓ Geiger, M., Connell, B. (1999). Governance associated with the revelation of internal control material weaknesses and their subsequent remediation. *Contemporary Accounting Research*, 28(1), 331-383.
- ✓ Gul, F. A. (2009). Discretionary Accounting Accruals, Managers Incentives, and Audit Fees. *Contemporary Accounting Research*, 20 (3): 441-464.

- ✓ Gul, F. A., Srinidhi, B. & Ng, A. C. (2011). Does gender diversity improve the informativeness of stock prices. *Journal of Accounting and Economics*, 51, (3). 314-38.
- ✓ Hillman, A., Shropshire, C., Cannella, A. (2007). Organizational predictors of women on corporate boards. *Academy of Management Journal*, 50, 941-952.
- ✓ Ho, S. S.M., Li, A. Y., Tam, K. & Tong, J.Y. (2018). Ethical image, Corporate social responsibility, and R&D Valuation, *Pacific-Basin Finance Journal*, PII: S0927 538X(16)30008-7, pp: 813.
- ✓ Honore, F. Munari, F. & Potterie, B.V.P. (2014). Corporate Governance Practices & Companies R&D Intensity: Evidence from European Countries. *Research Policy*: 30(74): 1-11.
- ✓ John, K., A. Knyazeva, and D. Knyazeva. (2017). Governance and payout precommitment. *Journal of Corporate Finance* 33: 101– 117.
- ✓ Kim, S. and Yoo, J. (2017). Does R&D Expenditure with Heavy Related Party Transactions Harm Firm Value? *Journal of Sustainability*, Published: 12 July 2017.
- ✓ Lipczynski, J.; Wilson, J. & Goddard, J. (2005). *Industrial Organization*, Second Edition, Pearson Education.
- ✓ Lokman, Norziana, Cotter, Julie & Mula, Joseph. (2012). Corporate Governance Quality, Incentive Factors and Voluntary Corporate Governance Disclosures in Annual Reports of Malaysian Publicly Listed Companies, *Corporate Ownership and Control*, 10(1), PP. 329-352.
- ✓ Nelson, L.H. (1990). *Who knows: from quine to a feminist empiricism*. philadelphia, PA: Temple University Press.
- ✓ Newbert, S. L. (2011). Empirical Research on the Recourse-Based View of the Firm: An Assessment and Suggestion for Future Research”, *Strategic Management Journal*, No. 28, pp. 121-146.
- ✓ Patel, P. C., Guedes, M. J., Soares, N., & da Conceição Gonçalves, V. (2018). Strength of the association between R&D volatility and firm growth: The roles of corporate governance and tangible asset volatility. *Journal of Business Research*, 88, 282-288
- ✓ Robinson, G. & Dechant, K. (1997). Building a Business Case for Diversity. *Academy of Management Executive*, 11(3), 21-31.
- ✓ Rose, C. (2007). Does female board representation influence firm performance? The Danish evidence. *Corporate Governance: An International Review*, 15, 404-413.
- ✓ Schubert, R. (2006). Analyzing and Managing Risks On the Importance of Gender Difference in Risk Attitudes. *Managerial Finance*, 32(9), 706–715.
- ✓ Soltana, N., Harjinder, S. & Vander, Z. (2015). Audit committee characteristics and audit report lag’. *International Journal of Auditing*, 19 (2), 72-87.
- ✓ Srinidhi, B., Gul, F., Tusi, J. (2011). Female directors and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 28(5), 1610-1644.
- ✓ Terjesen, S., & Singh, V. (2008). Female Presence on Corporate Boards: A Multi-country Study of Environmental Context. *Journal of Business Ethics*, 83(1), 55–63.
- ✓ Terjesen, S., Sealy, R., Singh, V. (2009). Women directors on corporate boards: A review and research agenda. *Corporate Governance: An International Review*, 17(3), 320-337.
- ✓ Thiruvadi, S., & Huang, H. W. (2011). Audit committee gender differences and earnings management. *Gender in Management: An International Journal*, 26 (7), 483-498.
- ✓ Umans, T. Collin & Tagesson, T. (2008). Ethnic and Gender Diversity, Process and Performance in Groups of Business Students in Sweden. Working paper, Kristianstad University.

- ✓ Waring, M. (1988)., If Women Counted: A New Feminist Economics, Harper & Row, San Francisco, CA.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی